

## طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مبتنی بر زیست بوم پایداری

شهرزاد بارانی<sup>۱</sup>

امیرحسین علی بیگی<sup>۲</sup>

عبدالحمید پاپ زن<sup>۳</sup>

### چکیده

اتخاذ الگوهای نادرست در توسعه پایدار مانند فضای کلی حاکم بر روند برنامه ریزی برای توسعه، موضوعی است که تلاش‌های اخیر برای تبیین و تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را مستدل ساخته است. «زیست بوم پایدار» به عنوان مدلی از جوامع محلی پایدار یکی از بهترین و بومی پذیرترین راه‌حل‌های نجات و التیام کره‌ی زمین و موجودات آن برای هر کشوری خواهد بود. چرا که نمودی از اجرای عملی و عینی اصول توسعه‌ی پایدار در زمینه خود می‌باشد که فعالیتی محلی اما تأثیری جهانی دارد. هدف در این پژوهش، ضمن اشاره به مفهوم جدید توسعه پایدار، تشریح جایگاه آن در برنامه‌های توسعه ایران، توصیف جامعی از مدل زیست بوم پایدار و نشانگرهای اصلی آن، طراحی مدلی برای تحقق الگوی پیشرفت اسلامی جوامع محلی ایران مبتنی بر زیست بوم پایداری بود. مدل پیشنهادی، با روند چرخه‌ای برای توسعه، ابعاد کلی پایداری (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی/معنوی و اکولوژیکی) و زیربخش‌های عملیاتی در هر بعد را با راه‌کارهای مهم تقویت آن‌ها برای توسعه جوامع محلی (شهری/روستایی) و نقش ذی نفعان به تصویر کشیده است.

واژه‌های کلیدی: زیست بوم پایدار، الگوی پیشرفت، توسعه پایدار، ایران

### ۱. مقدمه

آنچه که در توسعه‌ی پایدار به عنوان رویکرد جدید و متحول شده‌ی بشر نسبت به مفهوم سنتی توسعه مهم است، اصل توسعه‌ی بوم محور و انسان محور با تمرکز بر حفاظت از دارایی‌های زیستی، فرهنگی و اجتماعی است (با تعدیل از امانپور و علیزاده، ۱۳۹۲) که در اکثر کشورها بخصوص کشورهای در حال توسعه و به تبع آن کشور ما، این دستورالعمل شرایط نگران‌کننده‌ای یافته، مفهوم پایداری مبهم جلوه کرده و رسیدن به آن در حال قرار گرفتن در مسیر اشتباه و با چالش‌های فراوان است. از این رو، پیروی از رویکرد متمرکز در فرایند توسعه و تخصیص منابع توسعه بدون توجه به پایداری، ناآگاهی از میزان شکاف واقعی در بین شاخص‌های توسعه‌ی پایدار در مناطق مختلف و به دنبال آن برنامه ریزی‌های ناصحیح جهت جبران عقب ماندگی‌ها و شکاف‌های غیر واقعی و پیروی از الگوهای نادرست در توسعه‌ی پایدار مانند فضای کلی حاکم بر روند برنامه ریزی برای توسعه‌ی کشور (همان) از جمله مسائلی است که تلاش‌های اخیر برای تبیین و تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را مستدل می‌سازد.

<sup>۱</sup> دانش آموخته دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، نویسنده مسئول: [barani705@yahoo.com](mailto:barani705@yahoo.com)

<sup>۲</sup> عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، دانشیار

<sup>۳</sup> عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، دانشیار

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

شایان توجه است که مطالعات قبلی بر روی زیست بوم‌های پایدار به طور عمده روندهای کلی و اصول پایه را مشخص کرده‌اند اما مدلی از یک زیستگاه ایده‌آل را برای توسعه‌ی بیشتر ارائه نداشته‌اند (Sevier et al, 2008). از این رو، بررسی الگوهای زیست بوم پایدار، سزاوار تحقیق و توجه بیشتری است چرا که این جوامع نه تنها یک تجربه و آزمایش از زندگی در چارچوب طبیعت هستند که راه‌حل‌های پایداری را می‌توان قبل از کاربرد در محیط‌های بزرگتر، در آنجا مورد آزمایش و تجربه قرار داد (Irrgang, 2005). بلکه کلاس درس زنده‌ای برای آموزش تجارب محلی و انتشار دانش و آگاهی در جامعه بزرگتر هستند. همچنان که توسط بسیاری از محققان از این نوع جوامع به عنوان مراکز آموزش و تحقیق پایداری یاد می‌کنند (Carroll, 2010). از طرفی باید قبول کرد که یک زیست بوم پایدار نوعی وجود ندارد که بتواند به عنوان یک مدل محض برای هر فرهنگ و اقلیمی جوابگو باشد (Sevier et al, 2008). در خصوص کشور ایران نیز، باید بیان داشت که ایران در قیاس با کشورهای صنعتی اروپایی در جایگاه بهتری برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار قرار دارد چرا که راه رفته را تا انتها طی نکرده که نیازی به بازگشت و صرف هزینه‌های هنگفت برای برکناری زیرساخت‌های صنعتی و راه‌اندازی صنعت سبز، داشته باشد. از این رو، تا زمانی که فرصت جبران هست و راه اشتباه کشورهای دیگر الگوبرداری و تعقیب نشده، گام اصلی برای ایران در راستای جهش از توسعه نیافتگی به توسعه‌ی پایدار، خلق، ایجاد و توسعه‌ی الگوهای توسعه‌ی پایدار بومی است (همزه ای و فاضل بیگی، ۱۳۹۰). از این رو، پژوهش حاضر با هدف ارائه یک الگوی پیشرفت اسلامی برای جوامع محلی ایران مبتنی بر زیست بوم پایداری انجام گرفته است. نتایج این پژوهش، راهنمایی برای محققان، برنامه‌ریزان توسعه، جوامع محلی هدف و دیگر جوامع مشتاق، رهبران و مسئولان روستایی، سازمان‌های متولی در امر توسعه‌ی روستایی و سایر دانش پژوهان در حوزه‌های توسعه‌ی پایدار، حفظ محیط زیست، معماری، مدیریت و برنامه ریزی روستایی و کشاورزی خواهد بود. الگوی پیشنهادی این پژوهش علاوه بر جنبه‌ی اجرایی و کاربردی، قابلیت الگوبرداری را برای جوامع محلی خواهد داشت و امید را برای توسعه‌ی یک الگوی اسلامی ایرانی توسعه‌ی پایدار، تحقق خواهد بخشید.

### ۴. مفهوم جدید توسعه پایدار

کمیسسیون جهانی محیط زیست برای اولین بار مفهوم توسعه پایدار را به این صورت ارائه داد: توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده سازد، بدون آنکه نیازهای آیندگان را به خطر اندازد. در این تعریف دو مفهوم «نیازها» به ویژه نیازهای اساسی جهان فقیر و اولویت بندی آن و واژه «محدودیت» که توسط وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تعیین می‌شود، حاکی از آن است که اهداف توسعه پایدار باید در هر کشوری به طور عملیاتی و خاص آن کشور تعریف شوند (Harriri Akbari, 2006).

معنای تکامل یافته‌تر از توسعه پایدار، تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی‌های نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد (سلطانی پور و دماری، ۱۳۹۵). همزه‌ای و فاضل بیگی (۱۳۹۰) به نقل از مصطفی تولبا (۱۹۸۷) از کتاب توسعه پایدار، معیارها و فرصت‌ها در تعریف توسعه پایدار با دیدی بازتر این مفهوم را در برگیرنده‌ی موارد زیر می‌دانند:

(۱) یاری به مردم تنگدست و کم درآمد، زیرا آن‌ها بدون هیچ اراده و اختیاری بیش از دیگران به ویران کردن زیستگاه طبیعی می‌پردازند،

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

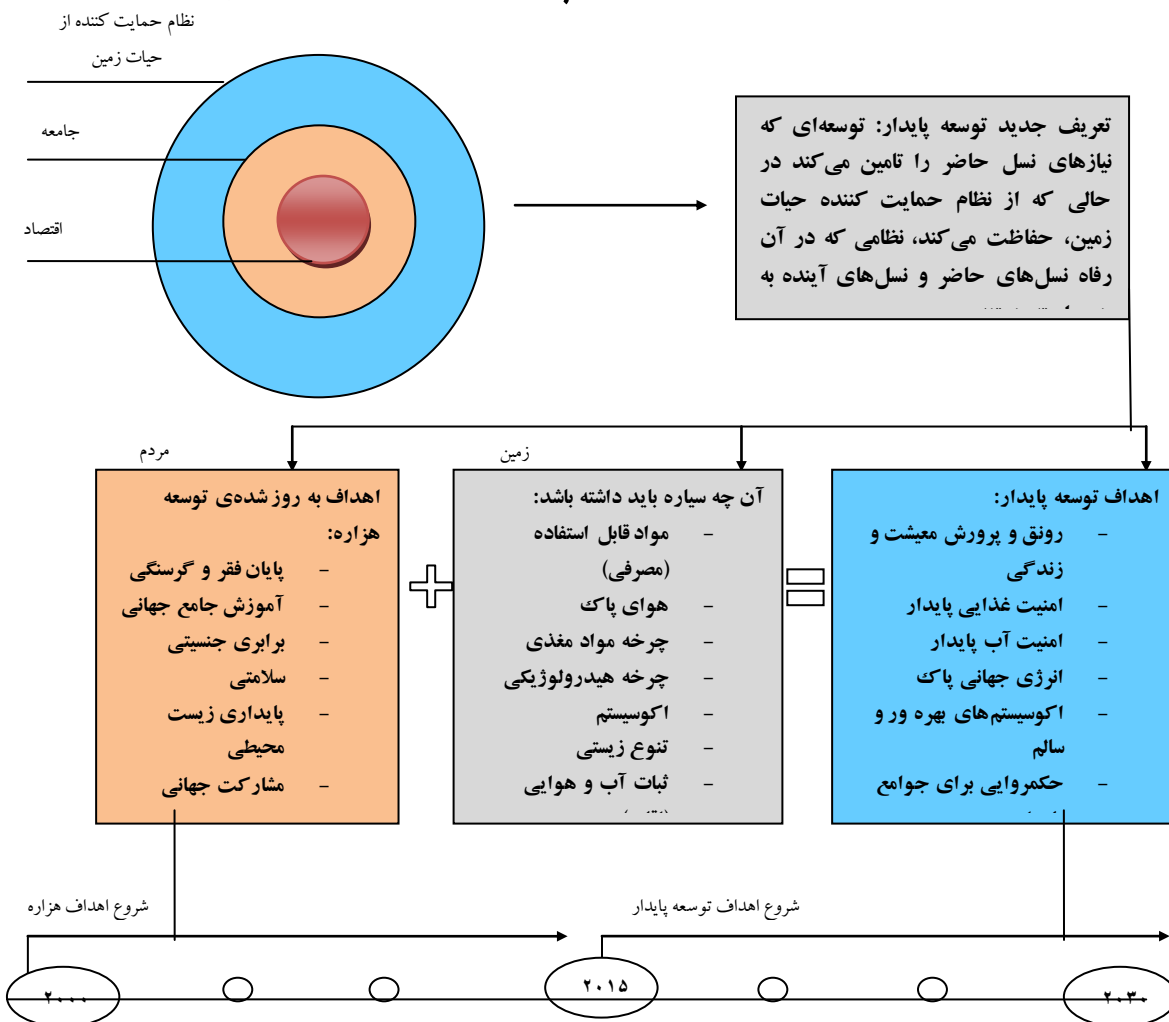
- ۲) ایده‌ی خوداتکایی توسعه با توجه به بهره برداری از منبع‌ای طبیعی،
- ۳) ایده‌ی هزینه‌ی موثر توسعه با استفاده از معیارهای اقتصادی در روش سنتی، که باور دارد توسعه ناپیوسته کیفیت زندگی را پایین بیاورد و سودمندی را در روند یک دوره‌ی بلند کاهش دهد،
- ۴) دربرگیرنده‌ی دستاوردهای برجسته‌ای چون کنترل بهداشت، فناوری مناسب، خوداتکایی خوراکی، تامین آب بهداشتی و سرپناه برای همگان باشد،
- ۵) این ایده که ابتکارهای بشری مهم بوده و نوآوری و اختراع‌های بشری یکی از مهمترین منبع‌های توسعه هستند.

در منبع‌های گوناگون تعاریف بسیاری از توسعه پایدار آورده شده است. این تعریف‌ها در برخی از موارد با یکدیگر متفاوت هستند، اما آن‌ها همیشه با یکدیگر نقاط سازگاری دارند که می‌توانند اصول جامع و کاملی را به وجود آورند، از جمله این نقاط سازگار می‌توان موارد زیر را عنوان کرد (همزه ای و فاضل بیگی، ۱۳۹۰):

- ۱) نگهداری، همبستگی انسجام بوم شناختی،
- ۲) یکپارچگی بین محیط زیست و توسعه،
- ۳) ایجاد سازگاری و همبستگی دوسویه،
- ۴) تامین حداقل نیازهای پایه‌ای برای همگان،
- ۵) تاکید بر همه‌ی نسل‌ها، درون نسلی و میان نسلی،
- ۶) تاکید بر بکارگیری دانش در برکنار کردن دشواری‌های توسعه،
- ۷) پذیرش رشد اقتصادی در درون محدودیت‌ها و
- ۸) پذیرش شیوه‌ی بلندمدت توسعه.

سازمان ملل متحد در نشست ریو در برزیل در سال ۲۰۱۲، دولت‌ها را متعهد ساخت مبتنی با مفهوم توسعه پایدار، مجموعه‌ای از اهداف توسعه‌ی پایدار را در تلفیق با اهداف توسعه هزاره ارائه دهند. Griggs و همکاران (۲۰۱۳) چارچوب یکپارچه‌ای را در این خصوص تدوین و ارائه نمودند (شکل ۱). آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که از سال ۲۰۰۰، اهداف توسعه هزاره بر کاهش فقر شدید در کشورهای در حال توسعه تمرکز داشته، اما دنبال کردن دستورکاری برای سال‌های بعد از ۲۰۱۵ که تنها بر ریشه‌کنی فقر متمرکز باشد دستور کار را تضعیف می‌کند. از طرفی اهداف توسعه پایدار بایستی قابلیت پوشش تهدیدها و بحران‌های دست ساخته بشری را داشته، قابل اندازه‌گیری بوده، مبتنی بر تحقیقات باشند و بتوانند برای کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به کار آیند. از این رو، ابتدا به طرح بندی پارادایم توسعه پایدار و ارائه آن به صورت یک مفهوم آشیانه‌ای پرداختند. در این طرح، اقتصاد به جامعه‌ای خدمت می‌کند که در نظام حمایت کننده از حیات زمین قرار دارد. با این توضیح، تعریف جدیدی از توسعه پایدار ارائه دادند. برای تأمین اهداف نیز شرایط زیست محیطی را که منجر به کامیابی توسعه‌ی انسانی شده و آستانه‌های تحمل زیست کره را برای بقاء تعیین می‌کردند، شناسایی نمودند. از این رو، با تکیه بر تحلیل سال ۲۰۰۹ از مرزهای سیاره که تجاوز از آن‌ها زیست کره را ناامن می‌سازد، در حوزه‌های تغییرات آب و هوایی، نرخ نابودی تنوع زیستی، کاهش آب شیرین جهان، تغییر در کاربری زمین، آلودگی شیمیایی، تداخل در چرخه‌های نیتروژن و فسفر، تخریب لایه اوزون، اسیدی شدن اقیانوس و بارگزاری ذرات معلق جو و مطالعات علمی اخیر، لیستی از آن چه زمین برای رفاه انسان نیاز دارد را ارائه دادند. سپس این اهداف را با اهداف توسعه هزاره تلفیق و تطبیق داده و اهداف کاربردی توسعه پایدار را تدوین نمودند.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ها، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸



شکل ۱- چارچوب یکپارچه (Griggs et al, 2013)

## ۳. جایگاه توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه ایران و جوامع محلی

با توجه به موارد فوق، توسعه پایدار که سه محور اصلی توسعه انسانی، مادی و طبیعی را در بر می‌گیرد با تأکید بر اهدافی که مقاصد توسعه هزاره را برای هر دو کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته کاربردی و اجرایی می‌سازد، بایستی محور و هدف برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان امروز قرار گیرد، شاخص‌های ارزیابی آن با توجه به شرایط ملی، منطقه‌ای و بومی مشخص شده و موفقیت کشورها بر اساس آن‌ها در راستای دستیابی به توسعه پایدار به طور مداوم تحلیل گردد. در راستای توسعه در کشور ایران نیز تاکنون ۱۱ برنامه‌ی توسعه‌ای از سال ۱۳۲۷ یعنی ۱۰ سال قبل از پایه ریزی سازمان برنامه و بودجه تدوین شده و به اجرا درآمده است؛ برنامه‌هایی که همزمان با بسیاری از کشورهای دیگر آغاز شد اما بنا بر علت‌هایی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نتوانست موفقیت چندانی در پیشرفت کشور خصوصاً به سوی توسعه پایدار به بار آورد. نتایج پژوهش شاهنوردی و همکاران (۱۳۹۶) و مؤمنی و میلانی (۱۳۹۰) در خصوص بررسی و ارزیابی برنامه‌های توسعه ایران بر اساس کیفیت زندگی و توسعه پایدار این موضوع را تصدیق می‌کند. گزیده‌ای از تحلیل برنامه‌های ایران بر اساس این دو مطالعه در ادامه ارائه شده است.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اولین اقدام برای توسعه در کشور، تدوین برنامه در سال ۱۳۲۴ بود که در قالب برنامه‌های عمرانی از سال ۱۳۲۷ اجرا شد و طی دو برنامه ۷ ساله و سه برنامه ۵ ساله تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. محور توسعه در دو برنامه اول کشاورزی و در سه برنامه بعدی بخش صنعت قرار داشت. در سه برنامه چهارم، پنجم و ششم با تشکیل سپاه دانش و بهداشت، ارائه خدمات اجتماعی بیشتر در مناطق محروم مد نظر قرار گرفت و فصلی مجزا برای رفاه اجتماعی در برنامه چهارم اختصاص یافت. اما نهایتاً به علت عدم توازن رشد اقتصادی در بخش‌های مختلف، نابرابری در توزیع درآمد، آلودگی محیط زیست و کمبود در زمینه آموزش، بهداشت و تامین اجتماعی و مسکن در طول برنامه پنجم افزایش یافت. اما در روند برنامه ریزی کشور برای اولین بار، اهداف اجتماعی نظیر ارتقاء سطح بهداشت و آموزش، توزیع عادلانه تر درآمد، توجه به افزایش سطح زندگی گروه‌های کم درآمد و حفظ محیط زیست، با تاکید بر این امر که خللی در روند رشد اقتصادی وارد نشود، در اولویت قرار گرفت (همان).

پس از انقلاب اسلامی اولین برنامه توسعه پس از جنگ در سال ۱۳۶۸ در قالب توسعه ۵ ساله تدوین شد. محور برنامه اول توسعه (۷۳-۱۳۶۹) عمدتاً بازسازی مناطق جنگی و سازندگی بود. تصدی گری دولت بر تمامی امور به طور گسترده در هر دو برنامه قابل مشاهده بوده و امر آزادی‌های اقتصادی و تقویت بخش خصوصی را کمتر شاهد بودیم. البته در زمینه امور اجتماعی در رابطه با خدمات آموزشی، انتقال بخشی از فعالیت‌های دولتی به بخش غیر دولتی در برنامه مورد تاکید قرار گرفت اما مسئله توزیع درآمد در اولویت‌های ثانویه قرار داشته و موقوف به افزایش درآمد ملی شد. برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴) بر اساس سیاست تعدیل اقتصادی تدوین یافت و در رابطه با اهداف کیفی تلاش در تحقق عدالت اجتماعی شامل آموزش، بهداشت عمومی، بیمه و اشتغال مناطق محروم مورد تاکید قرار گرفت. اما در عمل، ضمن عدم موفقیت دولت در اجرای سیاست تعدیل اقتصادی، اهداف اجتماعی برنامه نیز محقق نشد. برنامه سوم (۸۳-۱۳۷۹) با ادامه سیاست تعدیل اقتصادی و با تاکید بر اصلاح ساختاری در سیاست‌های کلان اقتصادی و نظام تأمین اجتماعی و توسعه عدالت محور تدوین شد. طرح موضوعاتی مانند رقابت پذیری، حذف انحصارات و تبعیض‌های اقتصادی، هدفمند شدن یارانه‌ها گسترش مشارکت مردم از طریق گسترش نهادهای مدنی در قالب احزاب، نشانگر توجه دست اندرکاران تدوین برنامه توسعه به گسترش نسبی آزادی‌هایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. همچنین توجه به مقولاتی همچون ارتقای امنیت انسانی، عدالت اجتماعی، ارتقاء سلامت و حفظ محیط زیست بیانگر توجه تدوین کنندگان برنامه به امور اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی می‌باشد و سهم بیشتری از اعتبارات کل برنامه نیز به این امور اختصاص داده شد. اما سیاستگذاری مشخصی در این زمینه صورت نگرفت. به عبارت دیگر توانمندی‌های انسان و کیفیت زندگی نه به عنوان محور توسعه بلکه عامل ابزاری قلمداد شده و با نگاه اقتصادی به آن نگریده شده است (همان).

برنامه چهارم توسعه (۸۸-۱۳۸۴) با محور قرار دادن دانایی در امر توسعه بر مواردی همچون توسعه فناوری، رقابت پذیری اقتصاد و رشد پایدار اقتصادی تاکید داشت. همچنین مقولاتی مانند ایجاد فرصت‌های برابر برای همه، ارتقای ظرفیت‌ها، کاهش بیکاری، ایجاد ثبات اقتصادی هدفمند نمودن یارانه‌ها، برپایی نظام کارآمد، فراگیر و جامع تأمین اجتماعی، توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا در برنامه مد نظر قرار گرفت. تاکید و صراحت برنامه چهارم بر این موارد بیانگر این است که در نگرش دست اندرکاران تدوین برنامه، ابعاد توسعه پایدار مانند محیط زیست، منافع نسل‌های آینده و کیفیت زندگی فردی جایگاه رو به رشدی داشته است. اما همانند برنامه سوم این عوامل نه به عنوان محور توسعه بلکه با نگاه ابزاری مطرح شده بودند. از سوی دیگر تحقق این امور تحت تاثیر نگرش دست اندرکاران اجرای برنامه و سازوکارهای عملی آن‌ها قرار داشت (همان). با این حال، برنامه‌ی چهارم با عنوان «برنامه‌ی توسعه‌ی پایدار با

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

رویکرد جهانی» به طور همزمان نگاه به تحولات جهانی و مباحثی همچون جهانی شدن، تقسیم کار بین‌المللی و همگرایی سیاست‌ها را دنبال می‌کرد و از همین رو موجب دگرگونی رویکردهای توسعه‌ای کشور شد (عباسی نسب، ۱۳۹۴). در برنامه پنجم (۹۴-۱۳۹۰) نیز موضوع محیط زیست و پایداری ۵ ماده را به خود اختصاص داد، اما در نهایت متأسفانه همانند برنامه‌های قبلی فاصله‌ی زیادی بین اهداف و نتایج عملکردی وجود داشت (شاهنوردی و همکاران، ۱۳۹۶). موضوع توجه به الگوی توسعه اسلامی-ایرانی در برنامه‌های اخیر توسعه، شایان توجه است اما با این وجود، همچنان اجرای عملی آن در قالب توسعه پایدار بومی موفقیت آمیز نبوده است. رکن الدین افتخاری و همکاران (۲۰۱۳) در تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه روستایی ایران و بررسی جایگاه توسعه پایدار روستایی در این برنامه‌ها به نتیجه‌ی مشابهی دست یافته و این موضوع را تأیید می‌کنند. تحلیل آن‌ها نشان داد که با وجود افزایش سطح توجه به توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های بعد از انقلاب که بیشترین آن در برنامه چهارم توسعه مشاهده می‌شود، این توجه بر اساس ساختار مدل تعالی سازمانی در کلیه ابعاد پایین تر از حد متوسط می‌باشد و این حاکی از آن است که در برنامه‌ها عناصر توانمندساز در باور سیاست‌گذاران و برنامه ریزان برای نهادینه کردن اصول توسعه پایدار به درستی شناخته نشده و مدیریت اجرایی از ظرفیت لازم برای اجرای پایدار برخوردار نبوده است.

مسئله مهم این است که توسعه پایدار در معرض یک خطر جدی است و آن تبدیل شدن توسعه پایدار به کلیشه، تابلو و شعار است، بدون اینکه تلاش جدی برای تحقق هدف‌ها و اصول آن صورت بپذیرد. از این رو، با توجه به موارد فوق الذکر و وظیفه اصلی و حاد کشور در یافتن رهیافتی برای اجرای موفقیت آمیز اصول پایداری برای ضمانت اجرایی در دستیابی به نتایج پایا، جوامع محلی پایدار اهمیت بیشتری می‌یابند. چرا که به دلیل کوچک مقیاس بودن نسبت به واحد ملی، در دستیابی به این اصول به صورت محلی موفق بوده و در عین حال تاثیر گسترده‌ای به صورت ملی و حتی فراتر از آن به صورت جهانی خواهند داشت. این موضوع از اصل سینرژی و اجماع واحدهای کوچک یا به عبارت بهتر توصیف ضرب المثل قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود، بهره می‌گیرند.

با این توصیف و با توجه به مسائل زیست محیطی و بحران‌های جهان باید به دنبال الگوها و مدل‌های بهتری برای توسعه-ی جوامع بود؛ یک چنین رهیافتی با تعدیل، «جامعه محلی پایدار» نام دارد (Irrgang, 2005). تلاش برای دستیابی به اهداف پایداری، منجر به شکل‌گیری آزمایشات و تجارب پایداری در بعد محلی در سراسر جهان شده است. اکثر این تجارب به دنبال ساخت جوامعی بودند که بتوانند ایده‌آل‌های پایداری را ارائه دهند. با پیگیری توسعه پایدار در سطح محلی، این مفهوم به یک موضوع قابل درک‌تر تبدیل می‌شود که مردم می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و بنابراین، سطح جامعه محلی، موثرترین مقیاس برای اثبات و استدلال «قابل دستیابی بودن» مفهوم پایداری است (Sherry, 2014).

### ۴. مدل اجرایی، محلی، بومی کاربردی و موفق در تحقق الگوی پیشرفت برای توسعه پایدار

الگوی «زیست بوم پایدار»<sup>۴</sup> به عنوان نمونه‌ای از جوامع محلی پایدار یکی از بهترین راه‌حل‌های نجات و التیام کره‌ی زمین زمین برای هر کشوری خواهد بود. Svensson (۲۰۰۲) اظهار می‌دارد که مدل زیست بوم پایدار، کاربردی‌ترین و اجرایی‌ترین مدل برای برنامه‌ریزی و سازماندهی سکونتگاه‌های انسانی در قرن پر تنش ۲۱ ام است (Fischetti, 2008)

<sup>۴</sup> Ecovillage

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

چرا که نمودی از اجرای عملی و عینی اصول توسعه‌ی پایدار در جهان می‌باشد که فعالیتی محلی اما تأثیری جهانی دارند (Kilian, 2009). زیست بوم‌های پایدار، جدیدترین و قدرتمندترین نوع جوامع پایدار بین‌المللی بوده که مهر تأییدی بر ادعای وقوع بهترین حالت زندگی انسان، در جوامع سالم، کوچک و حمایت‌کننده، و بازیابی، پالایش و اصلاح زندگی جوامع قدیمی به عنوان تنها مسیر پایدار برای بشر هستند. این جوامع با یک حس عمیق همبستگی گروهی عجین شده (همان) و با تعامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی (Vander Wal, 2010) در هارمونی با طبیعت، پیش رفته و به اعتقاد Gilman (۱۹۹۱)، مبتکر این مفهوم، یک جهان کوچک جامع از کل نظام اجتماعی هستند (Lietaert, 2008). برای دستیابی به این مهم، آن‌ها جنبه‌های گوناگون طراحی بوم‌شناسی، تولیدات سبز، فعالیت براساس ظرفیت زیستی، عدالت اجتماعی، مشارکت (Dale, 2011)، سرمایه‌ی اجتماعی (Bridger & Luloff, 2001; Dale, 2011)، اقتصاد خودکفای محلی، ارتباط معنوی با زمین زنده و احترام به طبیعت و غیره را با هم تلفیق کرده و یک مدل جدیدی برای اجرای روش‌های پایدار در جهان ارائه داده‌اند.

عمده‌ترین تعریف قابل قبول از زیست بوم پایدار با همکاری Gilman و همسرش در گزارش «زیست بوم‌های پایدار و جوامع پایدار» در سال ۱۹۹۱ ارائه شد. Gilman، زیست بوم پایدار را به عنوان «یک زیستگاه با ویژگی‌های کامل و مقیاس انسانی که در آن فعالیت‌های انسان، کمترین خسارت را به محیط زیست زده، حامی توسعه‌ی سلامت انسان بوده و می‌تواند در یک آینده‌ی مبهم و نامعلوم، با موفقیت تداوم و استمرار یابد» (Gilman, 1991). این تعریف، مبنایی چارچوبی برای مفهوم یک زیست بوم پایدار می‌باشد. با توجه به پنج ویژگی فوق، تعریف جدید Dawson (۲۰۰۶:۳۶) از زیست بوم‌های پایدار از این قرار است: «زیست بوم پایدار». «ابتکاری مختص به ساکنان خود بوده که در آن انگیزه‌ی اجتماع‌گرایی، اهمیت اصلی را داراست، از طرفی به دنبال در دست گرفتن بخشی از کنترل منابع بوده، بر اساس یک ارزش مشترک (اغلب به همان معنویت مربوط می‌شود) تشکیل می‌شوند و به عنوان مراکزی برای تحقیق، اجرا (در اغلب موارد) و آموزش عمل می‌کنند».

از آنچه در پیش ارائه گردید می‌توان دریافت که زیست بوم‌های پایدار، جوامعی محلی هستند با ساختارهای اجتماعی انعطاف‌پذیر و قوی همراه با ارزش‌های اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و معنوی مشترک که فعالیت‌های آن‌ها در کاهش ردپای اکولوژیک مؤثر است. از جمله این فعالیت‌ها (Xhexhi, 2011):

- تولید غذای ارگانیک محلی
- بناها و ساختمان‌های اکولوژیک یا بوم‌سازگار
- تنوع فرهنگی و معنوی
- کاهش، استفاده مجدد و یا بازیافت زباله‌ها به سبک خود
- اقتصادهای محلی و یا مبتنی بر تعاونی
- طراحی اکولوژیک روستا
- انرژی‌های جایگزین

در کل، یک زیست بوم پایدار بنا بر تعاریف گوناگون آن توسط محققان مختلف، ویژگی‌های زیر را می‌تواند در خود داشته باشد (Xhexhi, 2011):

- زیست بوم‌های پایدار جوامع بیشتر روستایی هستند.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- بیشترین استفاده از مواهب طبیعی و کمترین خسارت به محیط زیست و منابع طبیعی آن، در مرکزیت است.
- آنها به دنبال خودکارآمد شدن و خودکفا شدن هستند.
- با آن که محلی فعالیت می‌کنند اما تأثیر جهانی دارند.
- به لحاظ فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی غنی هستند.
- مبتنی بر اصول توسعه پایدار هستند.
- الگو یا مدلی از سکونتگاه‌های انسانی بوده که به آرامی در داخل محیط، حل شده‌اند (هارمونی با طبیعت).
- مردم آن در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کرده و حس تعلق به جامعه در آن موج می‌زند.
- احترام به طبیعت در آنها اجازه می‌دهد که با زمین زنده ارتباط معنوی برقرار کنند.
- می‌توانند پذیرای فناوری‌های جایگزین باشند.
- سبک‌های زندگی، جمعی‌تر و حکمروایی مبتنی بر جامعه است.
- مکانی سرشار از زندگی، نشاط و همبستگی است؛ زندگی همراه با طبیعت و تمامی موجودان زنده آن.
- با چالش‌های جدید جامعه با بهره‌گیری از رهیافت‌های جایگزین مقابله می‌کنند.
- دلیل اصلی تشکیل اکثر آنها، تأمین نیازهای اجتماعی مردم بیش از ملاحظات زیست محیطی خاص است.
- اندازه‌ی آنها متفاوت است (در اروپا کوچکترین مورد Hockerton است با ۵ خانه در انگلستان، در حالی که Damanhur Federation در ایتالیا ۴۰۰ ساکن دارد).
- فرصت‌های شغلی خلق می‌کنند.
- به برنامه ریزی نیاز دارند؛ یک طراحی و منطقه بندی، یک طرح مدیریت آب، طرح انرژی، طرح ساخت بناها و ساختمان‌ها، طراحی چشم‌اندازها با استفاده از گیاهان محلی و محصولات ارگانیک و ...
- در کل می‌توان بیان کرد که واژه‌ی زیست بوم پایدار در واقع مخففی برای یک جامعه محلی روستایی/شهری بوم شناخت است که توسط متخصصان گوناگونی بر اساس شاخص‌های متفاوتی تعریف شده است. تعریف زیست بوم پایدار بسیار سخت بوده به طوری که در زمینه‌های متفاوت و با مردم و فرهنگ‌های متفاوت، معنای متفاوتی به خود می‌گیرد. اما با این حال، اهداف اصلی تمامی زیست بوم‌های پایدار از ابعاد و اصول مشترک زیست محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشأت می‌گیرد (Carroll, 2010).

### ۵. ابعاد زیست بوم پایدار به عنوان مبنای الگوی پیشرفت بومی

زیست بوم‌های پایدار از سه بعد تشکیل شده‌اند شامل: اکولوژیکی، اجتماعی، و فرهنگی/معنوی (Stevenson, 2000). اما با این حال، شبکه‌ی جهانی زیست بوم پایدار، ابعاد اصلی آن را در چهار بعد طبقه بندی کرده و مورد اقتصادی را از این سه بعد جدا کرده و در یک طبقه جدید قرار داده است (GEN, 2014).



## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

**بعد اجتماعی:** ویژگی اجتماعی زیست بوم‌های پایدار با تمایل مردم به گذراندن وقت بیشتری با هم (Loezer, 2011)، پرورش اعتماد، همبستگی و همکاری و تعاون در جامعه (Dale, 2011)، تشکیل یک فضای حامی مردم که در آن مردم احساس می‌کنند که توسط افراد دیگر حمایت می‌شوند یا در مقابل آن‌ها مسئول هستند (GEN, 2014; Loezer, 2011) و حس عمیق تعلق به گروه (GEN, 2014) تعریف می‌شود. حس تعلق به گروه افراد را در داخل این زیستگاه‌ها گردهم می‌آورد (Sevier et al, 2008) و این اصل است که انسان را در تداوم مسیر سخت توسعه پایدار توانمند می‌سازد. در این نوع جوامع فردیت و مشارکت در گروه هر دو دارای اهمیت هستند (زاهدی، ۱۳۹۰; Loezer, 2011). این ویژگی‌ها و خصایص نه تنها رفاه بلکه ظرفیت سازگاری و انعطاف پذیری زیستگاه‌های انسانی را تضمین می‌کنند. به عبارت دیگر، هدف پایداری اجتماعی، ایجاد محیطی است که در آن انسان‌ها بتوانند روابط عمیقی با یکدیگر و دیگران برقرار کنند. محیط اجتماعی، خواص و ویژگی‌های با ارزشی را به دست می‌دهد که تنها محدود به حمایت فیزیکی نیست بلکه حس تعلق و پذیرش را به وجود می‌آورد. این اصل با ارزش زیربنای مهمی برای رفاه فردی و رفاه جامعه است و احساس امنیت، توانمندی، دیده شدن و شنیده شدن را در آن‌ها تقویت می‌کند (GEN, 2014)، در کل می‌توان گفت که سرمایه‌های اجتماعی در بین آن‌ها، بیشترین سرمایه‌ی قابل تأمل و توجه است (GEN, 2014).

ویژگی‌های اصلی این بعد شامل موارد زیر است (Vander Wal, 2010):

- مردم توانایی ارتباط و شناخت یکدیگر را دارند،
- تمامی گروه‌ها و طبقات در جامعه مورد قبول هستند (مشارکت دادن گروه‌های حاشیه‌ای)،
- آموزش به صورت مستمر است،
- اتحاد در عین احترام به تفاوت‌ها وجود دارد،
- کار و معاش برای همه‌ی افراد فراهم می‌شود،
- اهداف مشترک و منابع به صورت عمومی هستند.

به طور کلی پایداری اجتماعی، اتحاد و نظم همراه با محیطی برای زندگی و رستگاری همه ایجاد می‌کند. نقطه‌ی مثبت یک زیست بوم پایدار، پرورش یک جامعه‌ی جمعی و پیوسته است (Vander Wal, 2010).

**بعد اکولوژیکی (زیست محیطی):** ارزش دومی که برای پایداری ضرورت داشته و در جهان بینی اجتماعی ریشه دارد، احترام قائل شدن برای طبیعت و موجودات زنده دیگر است. در زیست بوم پایدار، مردم از تعامل با خاک، آب، گیاهان و حیوانات و به طور کلی زمین و محیط زیست لذت می‌برند. آن‌ها نیازهای روزانه خود را تأمین می‌کنند در حالی که به چرخه‌های طبیعی نیز احترام می‌گذارند (GEN, 2014; Loezer, 2011). اصول اخلاق زیستی و ارتباط با آن، برای گذار از یک جامعه به سمت پایداری، بسیار اهمیت دارد. یک اکوسیستم سالم برای رفاه انسان‌ها حیاتی است چرا که بستر حمایتی برای زیست تمامی موجودات و ارگانیسم‌های زنده را فراهم می‌آورد. بعد اکولوژیکی ارتباط با جهان طبیعی را نشان می‌دهد و می‌تواند دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های زیر باشد (Vander Wal, 2010):

- تولید و توزیع غذای سالم و ارگانیک که از منابع محلی تهیه می‌شوند.
- کاهش اثر منفی سبک زندگی انسان بر طبیعت
- استفاده از سیستم‌های حمل و نقل و روش‌های حفاظتی از زمین و منابع
- حفاظت از منابع آب

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- حمایت از زیستگاه‌های گیاهی و حیات وحش
  - زیستگاه‌های گیاهی و حیات وحش
  - حفظ پاک‌ی و سلامت خاک، آب و هوا از طریق مدیریت زباله‌ها و انرژی
  - حمایت و حفاظت از تنوع زیستی
  - استفاده از مصالح و مواد ساخت و ساز زیستی و بومی
- بعد اقتصادی:** افرادی که در یک زیست بوم پایدار زندگی می‌کنند معمولاً مصرف‌گرایی را کنار گذاشته و با کاهش هزینه‌های مادی، قادرند کیفیت زندگی خود را ارتقاء ببخشند (Loezer, 2011). یک اقتصاد محلی قوی، عنصر مهمی برای یک جامعه‌ی پایدار است. در زیست بوم‌های پایدار نیز خلق کسب و کارهای محلی و اشتغال محلی بسیار مهم است (همان). در واقع اقتصاد محلی باعث افزایش اعتماد به نفس، ادغام مهارت‌های محلی، همکاری و تعاون، تولید محلی، نظارت بر منابع محلی و منابع مالی، استقلال، گذراندن وقت بیشتر با خانواده و اعضای جامعه (Loezer, 2011) و خودکفایی می‌شود. بنابراین تنوع اقتصادی برای زیست بوم‌های پایدار حیاتی است. زیست بوم پایدار Farm در ایالت Tennessee مثال خوبی از تلاش یک جامعه در تأمین نیازهای خود از طریق کسب و کارهای اجتماعی گوناگون است (Vander Wal, 2010). از مهمترین ویژگی‌های زیست بوم‌های پایدار به لحاظ ویژگی‌های اقتصادی موارد زیر را می‌توان نام برد (GEN, 2014):

- نگهداری پول در جامعه
  - سود بردن از آن و سرمایه‌گذاری آن در یک کسب و کار
  - اقتصاد محلی
  - تنوع اقتصادی
- بعد فرهنگی/معنوی:** این بعد بخش مهمی از زندگی یک زیست بوم پایدار است، ساکنان این جوامع به دنبال احیا و حفظ سنت‌های فرهنگی و زندگی در هارمونی با زمین و همه‌ی موجودات زنده هستند (Loezer, 2011). در زیست بوم‌های پایدار تأکید خاصی بر فعالیت‌های معنوی ویژه نیست، بلکه هر زیست بوم پایداری به شیوه‌ی خود به طبیعت احترام گذاشته و از غنی‌سازی هنری، فرهنگی و تنوع و تفاوت‌های مذهبی و ... حمایت می‌کنند (GEN, 2014). تعادل به لحاظ فرهنگی وقتی در این نوع جوامع به وجود می‌آید که ویژگی‌های زیر وجود داشته باشد (GEN, 2014; Vander Wal, 2010):

- انجام کارهای هنری خلاقانه، فعالیت‌های فرهنگی و برگزاری مراسم و جشن‌ها
  - حمایت و احترام به ظهور معنویت به شیوه‌های گوناگون
  - توافق بر تعهدات، میراث فرهنگی و منحصر به فرد بودن جامعه
  - ارزش به اوقات فراغت
  - احترام به پیشینه‌های فرهنگی و معنوی افراد جامعه
  - حفظ فعالیت‌ها و مراسم در راستای پایداری فرهنگ جامعه
- قابل ذکر است که تلفیق تمامی این ویژگی‌ها چالش برانگیز است. بنابراین هر جامعه‌ای ممکن است به برخی از این ویژگی‌ها تمرکز بیشتری داشته باشد. اما با این وجود، دستیابی به ترکیبی کامل از این ابعاد و ملاک/نشانگرهای زیست

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بوم پایداری اما با رویکردی بومی و محلی منطبق با فرهنگ جوامع محلی در قالب بهترین الگوی پیشرفت بومی برای هر کشوری خواهد بود.

### ۶. بحث و نتیجه‌گیری: پیشنهاد طرح الگوی پیشرفت زیست بوم پایدار برای جوامع محلی ایران

توسعه از دیرباز همزمان با تصمیم و تفکر بشر برای ارتقای سطح کیفیت زندگی در تمامی عرصه‌ها با انسان همراه بوده است. با این حال، در سالیان اخیر، هجوم سیل عظیم بحران‌های ناشی از توسعه‌ی نامتوازن و نامتعادل خصوصاً با چشم پوشی از موضوع عدالت زیستی، نسلی و انسانی، دستیابی به اصول توسعه‌ی پایدار و قرار گیری در مسیر درست تکامل آن راه، دغدغه‌ی تمامی کشورهای دنیا ساخت. از این رو، در کنار ابعاد جهانی توسعه‌ی پایدار، ابعاد محلی آن نیز مورد توجه قرار گرفت. این کنش متقابل بین فرایندهای محلی و جهانی، توجه جهانیان را به سوی موضوع زیست بوم‌های پایدار و اهمیت آن‌ها به عنوان الگوهای محلی و بومی پایداری در اکثر کشورها در قالب کوچکترین جوامع پایدار نجات دهنده‌ی مام زمین، جلب کرد. در کشور ایران نیز، موضوع الگوی توسعه‌ی بومی اسلامی بیش از پیش مورد توجه و تأکید بوده است، به گونه‌ای که آثار ظهور این طرز تفکر را در برنامه‌های اخیر توسعه آن می‌توان مشاهده کرد. بنابراین، اهمیت الگوی زیست بوم پایدار و پرداختن به آن به عنوان یک الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، علاوه بر ابعاد محلی و ملی، تأثیر جهانی بسزایی در افزایش عمر زمین و حفظ و توسعه‌ی داشته‌ها و سرمایه‌های آن خواهد داشت. این مهم، نیاز برای طرح شماتیک الگویی را که بتواند برنامه‌ریزی زیست بوم‌های پایدار را عینی‌تر و فراگیرتر ساخته و به عنوان راهنمایی به حرکت توسعه‌ی آن‌ها جهت بدهد، برجسته می‌سازد. در الگوی پیشنهادی پژوهش حاضر، روند چرخه‌ای با تکیه بر مدل زیست بوم پایدار و راه‌کارهای بومی در هر بعد از توسعه زیست بوم در حیطه‌ی محلی و کوچک (روستا، شهر) برای پیشرفت در جهت پایداری و رفاه جامعه ایرانی پیشنهاد شده است. از طرفی، نقش مردم، دولت و نهادها در این مدل، تفکیکی نبوده بلکه در تمامی ابعاد، نقش آن‌ها به عنوان پیشران، تسهیلگر بدون حق تقدم و فقط برای کمک به چرخه مطلوب توسعه ارائه شده است (شکل ۲).

در توضیح باید متذکر شد که برخلاف پیشرفت که حرکت به سمتی تازه را القاء می‌کند، توسعه به نوعی انطباق‌پذیری با چیزی است که هم اکنون موجود است و استقرار در تحول را به عنوان هویت نشان می‌دهد (سلماسی و کریمی فرد، ۱۳۹۴). بنابراین می‌توان تمرکز را بر داشته‌های اجتماعی و سپس بهره‌جستن از آن‌ها جهت فاصله گرفتن از جوامع معمولی و دستیابی به پایداری بیشتر در زیست بوم قرار داد که به توسعه‌ی سایر ابعاد نیز کمک قابل توجهی خواهد کرد. همچنان که بر اساس مطالعه‌ی واقفی و حقیقتیان (۱۳۹۳) با رویکرد توسعه‌ی پایدار شهری، بین رفتارهای اجتماعی و زیست محیطی و سرمایه‌ی فرهنگی رابطه‌ی مثبتی گزارش شد. این روند چرخشی سپس ادامه داشته، به گونه‌ای که تقویت سرمایه‌های فرهنگی خود باعث بالارفتن پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی خواهد شد همانند نتایج مطالعه‌ی نوابخش و ثابتی (۱۳۹۴) در بررسی پایداری شهر تهران. از این رو، طراحی، احیا، توسعه و تداوم یک زیست بوم پایدار بالقوه، تنها با حمایت فرهنگ و جامعه و سرمایه‌های مرتبط با آن اتفاق می‌افتد (Loezer, 2011) به این معنی که بدون وجود ارزش‌های اجتماعی و انسانی، چشم اندازها و زیستگاه‌های پایدار مورد سوء استفاده قرار گرفته و ناپایدار شده یا طراحی و توسعه‌ی پایداری آن‌ها با شکست مواجه می‌شود (همان).

اشتراک و تسهیم وسایل و فضاها‌ی مشترک یکی از نشانگرهای سرمایه‌های اجتماعی، فکری و معنوی است که بیشترین توجه را در بین منابع مورد بررسی داشته است (Loezer, 2011; Boyer, 2013). تسهیم و اشتراک گذاری، نیاز برای

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ها، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

خرید و نگهداری اموال را کاهش داده، میزان مصرف را کم کرده، تولید زباله را به حداقل رسانده، ارتباط افراد جامعه را تقویت کرده و حمایت گروهی را افزایش می‌دهد (Fischetti, 2008). گردهمایی ساکنان برای قدردانی از غذای سالم، جشنواره‌ی برداشت سالانه‌ی محصولات، مراسم و آیین‌ها و سایر جشن‌های گوناگون مانند مراسم ازدواج، جشن کاشت، خورشید و ماه، آیین مذهبی و تولد و تغییر فصل، نیز نمونه‌هایی از رخدادهای اجتماعی برای تقویت همکاری گروهی و همچنین پایداری فرهنگی و معنوی هستند.

اقتصاد محلی پویا، جزء لاینفک جامعه‌ی پایدار است (Roseland, 2000). بدون شک راهبردهای بهبود معیشت و اقتصاد محلی در بین جوامع متفاوت است، چرا که به سرمایه‌های در دسترس وابسته است. با توجه به گرایش ذاتی انسان‌ها به رفاه و تلاش مداوم برای بهبود وضعیت اقتصادی خود و خانواده در طول زندگی، می‌توان از کاربرد و توسعه‌ی راهبردهای حمایت از اقتصاد محلی و دستیابی به خوداتکایی در جوامع محلی بهره گرفت. یکی از راه‌های کاهش اثر زیست محیطی جامعه و خودکارآمدشدن، مصرف تولیدات محلی است. محلی ساختن عرضه‌ی نیازهای ضروری، جامعه را در برابر بحران‌های طبیعی و دیگر رخدادهای غیرمنتظره مقاوم‌تر می‌سازد. از طرفی، انرژی منابع مورد نیاز برای کشاورزی مکانیزه، حمل و نقل و بسته بندی را ذخیره کرده (Loezer, 2011)، امکان ایجاد اشتغال محلی را تقویت و نیاز برای واردات و خدمات به زیست بوم‌های پایدار را کاهش می‌دهد (همان).

اقتصاد هدیه که مبتنی بر تبادل غیرپولی یا کالا به کالا است، رویکرد دیگری است که در بین ساکنان برخی از زیست بوم‌های پایدار رواج دارد (Greco et al, 2012). این سیستم، حمایت و امنیت زیادی را برای خانواده‌های کم درآمد فراهم می‌کند. از طرفی، افزایش تعاملات اجتماعی، تأمین نیازهای کوچک ساکنان و عدم وابستگی به پول از دیگر مزایای این رویکرد است که تکیه بر منابع محلی را بیشتر می‌سازد.

تولید کم زباله و ضایعات خود یک رفتار اکولوژیک است که با کاهش مصرف گرایی و مالکیت کسب می‌شود (Loezer, 2011). در یک اکوسیستم پایدار، در حالی که تولیدات بی دوام و ارگانیک کاملاً تجزیه پذیر بوده و برای کمپوست سازی کاربرد دارند، تولیدات بادوام و پایا تحت مالکیت شخصی نیستند (همان). مجزا از بحث مدیریت زباله و تأثیر آن بر پایداری، عرضه‌ی آب و کیفیت آن جزو اولویت‌های مهم ارتقاء پایداری یک جامعه هستند، رشد جمعیت و نیازهای انسان، سرعت تقاضا برای آب شیرین را افزایش داده، منابع طبیعی آب خالص محدود شده و بنابراین باعث شده محققان بسیاری فعالیت‌های خود را بر بررسی راهکارهای جایگزین برای مدیریت آب معطوف سازند. از جمله این راهبردها که در جوامع مختلف از جمله زیست بوم‌های پایدار نیز آزمایش شده و به کار می‌رود، روش‌های استحصال و استفاده از آب باران است (مانند زیست بوم‌های پایدار مطالعه؛ Ardzijauskite, 2009).

ماشین زندگی<sup>۵</sup> نمونه‌ای از یک سیستم تصفیه‌ی فاضلاب محلی است که متشکل از توالی مخازنی پر از ارگانیسیم‌های زنده بوده و محصول نهایی با کیفیت بهتر از سیستم‌های تصفیه‌ی فاضلاب معمولی، تولید می‌کند (Loezer, 2011). بدون شک کاربرد این سیستم مستلزم درک بالایی از اصول پایداری و تعهد به آن‌ها است تا بتواند ساکنان را از وابستگی به سیستم فاضلاب سنتی بی‌نیاز سازد. اخلاق زیستی که برای انتقال یک جامعه به سمت پایداری لازم و ضروری است، افکار و اعمال انسان را در ارتباط با محیط زیست موجود و حفاظت از آن نشان می‌دهد. حفظ و احیای زیستگاه‌های بومی (مانند تالاب‌ها، جنگل‌ها و غیره)، معرف فعالیت‌های زیست محیطی جوامع محلی پایدار است (Greco et al, 2012; )

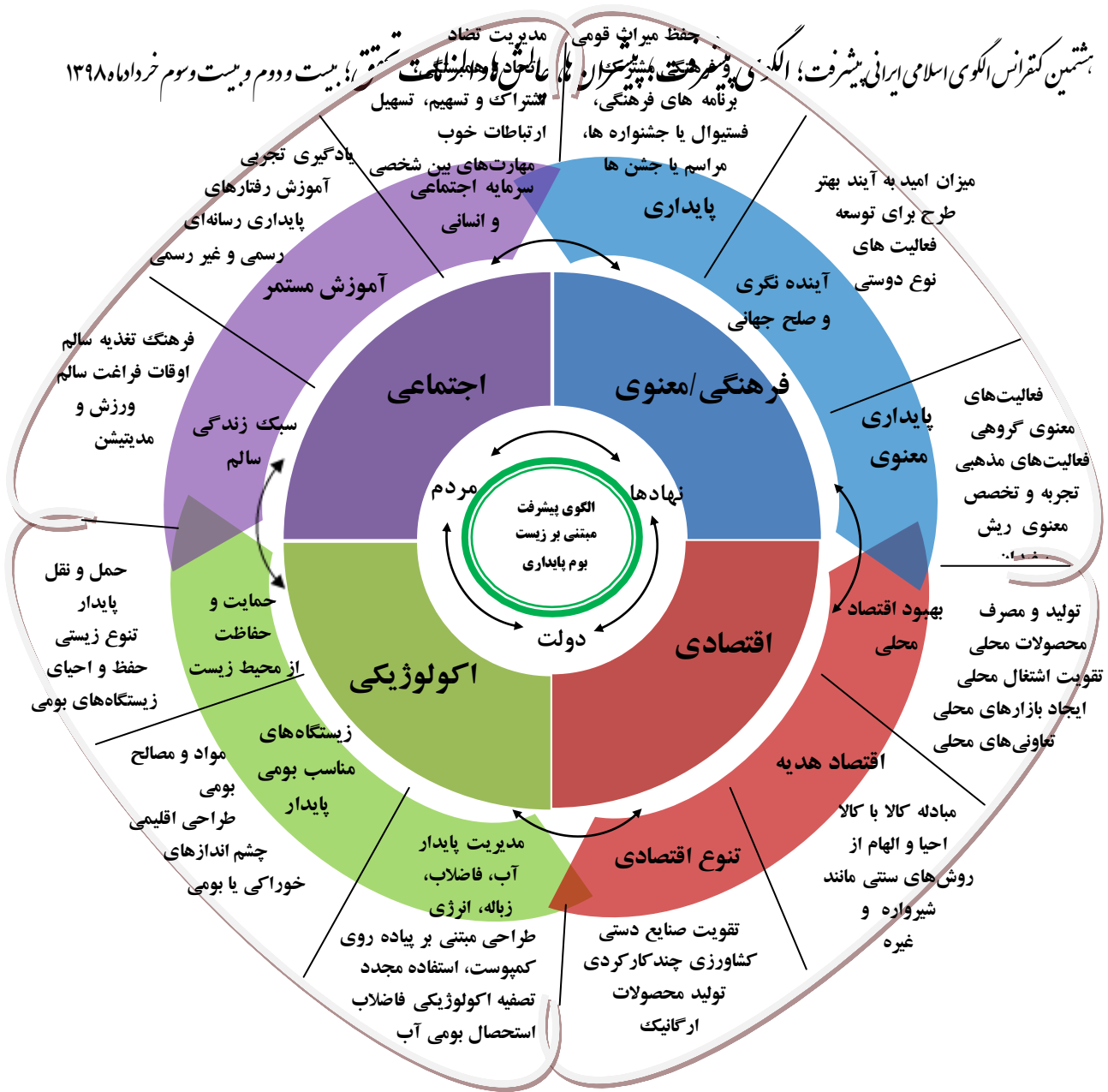
<sup>5</sup> Living machine

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دایره و سوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

(Loezer, 2011). کاشت گونه‌های بومی در چشم اندازها و باغ‌ها که آبیاری کمتری نیاز دارند (Loezer, 2011) و کاشت درختان و احیای جنگل‌ها از جمله نمونه‌های این اخلاق زیستی است.

فعالیت‌های ساخت و ساز پایدار، بخش مهمی از توسعه‌ی زیستگاه‌های انسانی پایدار است، چرا که در اکثر مواقع، بحران زیست محیطی یک بحران طراحی است و از طریق طراحی اکولوژیکی و پایدار می‌توان، پایداری را به شکل عملی نشان داد (Irrgang, 2005). استفاده از مواد و مصالح طبیعی با پایین‌ترین انرژی محصورشده، جنبه‌ی مهمی در طراحی سبز است. ترجیح در این خصوص بر استفاده بیشتر از مصالح بومی و طبیعی در محل است تا مصالحی که از خارج سایت وارد می‌شوند (همان). استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب، سنگ، خاک، کاه و کلش و غیره، مزایای زیادی دارد، از جمله اینکه خسارت زیست محیطی و ردپای اکولوژیکی خانه‌ها را کاهش می‌دهد، به دلیل منبع محلی و محتوای غیرسمی و شیمیایی آن، کیفیت هوای درون و ایمنی را بهبود داده، و در آخر عمر ساختمان یا تخریب، قابل تجزیه‌ی زیستی یا استفاده مجدد است.

آموزش، اثربخش‌ترین سازوکار جامعه برای مقابله با برهم خوردن تعادل توسعه‌ی پایدار در یک جامعه است (دلالی اصفهانی، ۱۳۸۰) که منجر به انباشت سرمایه‌های انسانی و افزایش ظرفیت می‌شود. در توضیح باید عنوان کرد که زیست بوم پایدار، یک روند در حال پیشرفت است و هرگز رشد و نمو آن متوقف نخواهد شد (Cohen, 2010). بنابراین، می‌توان ادعا کرد هیچ زیست بوم پایدار ایده‌آلی وجود ندارد چرا که همواره آن‌ها تحت توسعه و پیشرفت بوده و حرکت پایداری آن‌ها، متوقف نخواهد شد. از این رو، برخورداری از طراحی برای توسعه در آینده و آموزش مستمر در این مسیر بسیار دارای اهمیت است.



شکل ۲- الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مبتنی بر زیست بوم پایدار (منبع: پژوهش حاضر)

## فهرست منابع

- امانیور، س.؛ علیزاده، ه. (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های توسعه پایدار در استان کرمانشاه با استفاده از تحلیل رگرسیونی و تحلیل سلسله مراتبی فازی FAHP. جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، ۳ (۹): ۸۳-۹۶.
- دلالی اصفهانی، ر. (۱۳۸۰). انباشت سرمایه انسانی و رشد و توسعه پایدار. تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- رکن الدین افتخاری، ع.؛ سجاسی قیداری، ح.؛ صادقلو، ط. (۲۰۱۳). تحلیل محتوایی جایگاه توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های توسعه روستایی ایران. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵ (۱۳): ۱۹-۳۸.
- سلطانی پور، ف.؛ دمار، ب. (۱۳۹۵). وضعیت توسعه پایدار در ایران، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۴ (۴): ۱-۵۶.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- سلماسی، س.؛ کریمی فر، ل. (۱۳۹۴). تبیین معیارهای طراحی فضاهاى فرهنگى با رویکرد پایداری اجتماعى و پویایی فضایی؛ مورد پژوهی: فرهنگسراهای شهر تهران. مدیریت شهری، ۳۹: ۲۳۵-۲۶۲.
- شاهوردی، م.؛ جوزی، ع.؛ موگویی، ر. (۱۳۹۶). تحلیلی بر جایگاه توسعه پایدار در قانون برنامه اول تا پنجم توسعه اقتصادى، اجتماعى فرهنگى. چهارمین کنفرانس بین‌المللى برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، تهران: دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران، ۲ و ۳ خرداد ۱۳۹۶.
- عباسی نسب، ح. (۱۳۹۴). برنامه‌های توسعه؛ از متن تا اجرا. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، کد: ۸۱۸۵۶۷۷۲، ۱۳۹۴/۰۹/۰۷.
- مؤمنی، ف.؛ امینی میلانی، م. (۱۳۹۰). کیفیت زندگی و توسعه پایدار در برنامه‌های توسعه ایران با رویکرد آمارتپاسن. سیاست گذاری اقتصادى، ۳ (۵): ۳۵-۶۳.
- نوابخش، م.؛ ثانی، م. (۱۳۹۴). طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تأثیر سرمایه فرهنگى بر ابعاد توسعه پایدار شهرى با تأکید بر انرژی‌های پاک. مجله مطالعات توسعه اجتماعى ایران، ۸ (۱): ۳۷-۵۰.
- واقفی، ا.؛ حقیقتیان، م. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگى (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعى زیست محیطى با رویکرد توسعه پایدار شهرى (مطالعه موردیک شهر شیراز). اقتصاد و مدیریت شهری، ۸: ۴۷-۶۵.
- همزه‌ای، م.ر.؛ فاضل بیگی، م. م. (۱۳۹۰). از توسعه نیافتگی تا توسعه پایدار (جلد ۱): گمانه‌های جهانی توسعه و توسعه نیافتگی. دستاورد سازمان دانش بومی و فرهنگ شفاهی، ایران باختری، شماره ۶، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- همزه‌ای، م.ر.؛ فاضل بیگی، م. م. (۱۳۹۰). از توسعه نیافتگی تا توسعه پایدار (جلد ۲): گمانه‌های جهانی توسعه پایدار. دستاورد سازمان دانش بومی و فرهنگ شفاهی، ایران باختری، شماره ۹، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- Ardzijauskaitė, V. (2009). Ecovillages: is it a way to reach environmental sustainability? Case studies in Denmark. Netherland: ESST (European Inter-University Association on Society, Science & Technology), Maastricht University.
- Boyer, R.H. (2013). Transitioning to sustainable urban development: A niche-based approach. Illinois: Graduate College of the University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Bridger, J. C., & Luloff, A. E. (2001). Building the sustainable community: Is social capital the answer? Sociological Inquiry, 71(4): 458-472. <https://doi.org/10.1111/j.1475-682X.2001.tb01127.x>
- Carroll, E. (2010). Twenty-five years in the making: Why sustainable development has eluded the U.N., and how community-driven development offers the solution. Houston Journal of International Law, 32 (2): 546-585.
- Cohen, P. A. (2010). Design for Sustainable Communities: An Integral Perspective. South Africa: University of Stellenbosch.
- Dale, A., & Newman, L. (2006). Sustainable Community Development, Networks and Resilience. Environments, 34(2): 17-28.
- Dawson, J. (2006). Ecovillages: New Frontiers for Sustainability. Devon, UK: Green Books Ltd.
- Fischetti, D. M. (2008). Building resistance from home ecovillage at Ithaca as a model of sustainable living. US: School of the University of Oregon.
- GEN (2014). [www.gen.ecovillage.org](http://www.gen.ecovillage.org). Retrieved 1 July 2014.
- Gilman, R. (1991) The Eco-Village Challenge. In Context Institute, Issue #29, 'Living Together: Sustainable Community Development', pp.10, Summer 1991. Retrieved from <http://www.incontext.org>.
- Greco, M., Bennett, J., Guthmann, Y., Olson, T., & Wolff, M. (2012). Sustainable Development: Case Studies & Lessons Learned. US: City of Rosemount & UMore Development LLC, University of Minnesota.
- Griggs, D., Stafford-Smith, M., Gaffney, O., Rockström, J., Öhman, M.C., Shyamsundar, P., Steffen, W., Glaser, G., Kanie, N. & Noble, I. (2013). Sustainable development goals for people and planet. Nature, 495: 305-307.

- Hariri Akbri, M., 2006. Management and development of civil society institutions. *J Social Sciences*, 1(2): 41-45.
- Irrgang, B. (2005). A study of the efficiency and potential of the ecovillage as an alternative urban model. South Africa: the University of Stellenbosch.
- Kilian, I. (2009). Ecovillages: in vitro sustainability. *World Futures*, 65: 365-371.
- Lietaert, M. (2008). A strawbale village in Denmark. *Communities*, summer, 139: 37- 40.
- Loezer, B. L. (2011). Enhancing sustainability at the community level: lessons from American ecovillages. US: School of the University of Cincinnati.
- Roseland, M. (2000). Sustainable community development: integrating environmental, economic, and social objectives. *Progress in Planning*, 54: 73-132. [https://doi.org/10.1016/S0305-9006\(00\)00003-9](https://doi.org/10.1016/S0305-9006(00)00003-9)
- Sevier, L., Henderson, M., & Naidu, N. (2008). Ecovillages: A model life? *Ecologist*, 38(4): 36-41.
- Sherry, J. (2014). Community supported sustainability: How ecovillages model more sustainable community. US: Rutgers University, New Brunswick.
- Svensson, K. (2002). What is an Ecovillage? In H. Jackson & K. Svensson (Eds.), *Ecovillage Living: Restoring the Earth and Her People* (pp. 10-12). Devon: Green Books.
- Vander Wal, L. (2010). South Cache Ecovillage: addressing the Past, Present and Future, Plan B Project. USA: Utah State University.
- Xhexhi, A. K. (2011). *From ecovillages to Tirana*. Albania: Epoka University.